

بسم الله الرحمن الرحيم

سبک زندگی کجای دین ماست؟

جلسه ۷: تعیین سبک زندگی، با پیروی از...؟

اساساً در دین عمل مهم است و ما معنویتمان را به عنوان یک معنویت عرفانی صرف، که تنها رابطه روحی و حسی با خدا داشته باشیم یا رابطه معرفتی صرف داشته باشیم، نمی بینیم. عمل جزء مکمل چرخه وجود انسان است و اگر آگاهی و گرایش در کنار عمل قرار بگیرند، این چرخه تکمیل می شود. بسیاری از مواقع تاثیر عمل بر روح انسان از افکار، علم و آگاهی ما بیشتر است.

عمل انسان، علم انسان را نیز جهت می دهد و در واقع عمل هر انسان برای او عقیده ساز است. افرادی که علم زده هستند (به علم بیش از اندازه بها می دهند و در کنار آن نقش عمل را تضعیف می کنند) باید به این موضوع توجه کنند که بسیاری از اوقات، اثر عمل بر روح انسان از اثر علم بیشتر است. آنهایی که به اصطلاح دل زده هستند (اهل صفای باطن هستند) نیز باید بدانند آن چیزی که سازنده قلب آدمی است و عشق و محبت را در انسان افزایش می دهد، عمل است و اثر آن بر دل انسان قطعی است. حضرت ابراهیم که لقب خلیل الرحمن داشتند هم برای اثبات دوستی با خدا باید پسر خود را قربانی می کردند. نمی توان به علم یا قلب به صورت افراطی نگرست و دیگری را بی ارزش دانست؛ در حقیقت عمل، علم و دل را پشتیبانی می کند و مکمل آن است.

بزرگترین فرصت برای انسان، عمل کردن طبق جزئیات مورد نظر دین است. زیرا انسان به طور دقیق نمی داند هر رفتار چه تاثیری بر روح او دارد. در آیه ۶۹ سوره عنکبوت می فرماید "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ" یعنی عمل مجاهدانه و مخلصانه که داشته باشیم، خداوند ما را هدایت می کند.

نکته مهم که باید به آن توجه شود این است که اگر اعمال ما جزء عادات ما شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند زیرا عادت در روح انسان رسوخ می‌کند و آثار و اندیشه‌های مختلفی را بر روح انسان خواهد گذاشت. موضوع مهم این است که اگر این عادات رفتاری مربوط به کل جامعه شود، بر روی فرهنگ جامعه تاثیر می‌گذارد و جزئی از آن خواهد شد. گناہانی وجود دارند که اگر به صورت فردی انجام شود هیچ جرمی ندارد اما اگر همین گناه در جامعه بوده و افراد شاهد آن باشند، حداقل جرم آن اعدام است. برخی عادات اجتماعی نیز نسبت به عادات فردی اهمیت بالاتری دارند و ثواب اجتماعی آن به مراتب بیشتر از ثواب فردی آن است مانند نماز جماعت نسبت به نماز فردی، و یا مانند پیاده رفتن به حرم امام حسین(ع) و خانه خدا.

هدف برخی از دستورات اسلام، عادات رفتاری، فرهنگ جامعه و سبک زندگی با تمام جزئیات است مثلاً در اسلام توصیه می‌شود هر عمل خوبی را که می‌خواهیم انجام دهیم، برای اینکه تاثیر گذار باشد باید یکسال آن عمل را انجام دهیم. در واقع با این کار عمل ما تبدیل به عادت شده و جزو سبک زندگی ما خواهد شد.

انتخاب بخشی از رفتارهای ما در دین به صورت آزادانه به خودمان واگذار شده است و برای آن در دین دستورات کلی داریم. مثلاً در مورد پوشش در دین تاکید می‌شود که از لباس شهرت (لباسی که انگشت نمای دیگران شویم) استفاده نکنیم.

تاثیر عمل تا این اندازه است که می‌توان گفت خداوند پس از اهل بیت و ملائکه، بندگان خود را به عمل سپرده است. همانگونه که در حکمت ۱۵۰ نهج البلاغه داریم "لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَغَيْرِ عَمَلٍ و ... " یعنی آخرت را بدون عمل امید نداشته باشید.

در اسلام تقریباً هیچ رفتاری نداریم که خداوند برای آن حکمی نداشته باشد. به عنوان مثال در روایات داریم که از ائمه سوال می‌شد که اگر همزمان دو نفر از دوستان مجلس عزا و عروسی داشته باشند، باید به کدام مجلس رفت؟ می‌فرمودند که رفتن به مجلس عزا را باید ترجیح دهند. یا اینکه سوال می‌شد در مجلس عزای اطرافیان باید چه کاری انجام دهیم؟ ائمه توصیه می‌کردند باید بروند صاحب عزا آنها را ببینند و عرض تسلیت کنند زیرا همین حضور دوستان و آشنایان باعث آرامش به صاحب عزاست.

برخی از رفتارها در سبک زندگی نیز وجود دارند که افراد طراحی می کنند و اسلام در مورد آن نظر می دهد و آن را تایید یا نفی می کند. مثلاً امام رضا(ع) می فرمایند که برپایی مجالس متعدد برای رفتگان توسط ایرانیان و فراموش نکردن آنها، رفتاری بسیار خوب و مورد تایید اهل بیت می باشد.

یکی از عوامل بسیار مهم برای تعیین سبک زندگی، شیرینی و لذت بردن است و یک عنصر اساسی سبک زندگی محسوب می شود. عواملی برای سبک زندگی وجود دارند که در قرآن به آن اشاره و مذمت شده است، به طور مثال در آیه ۲۰ سوره حدید می فرماید "اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ... " حُب الشهوات، از عوامل مهم در سبک زندگی انسان هاست و خداوند تذکر می دهد که سبک زندگی خود را بر اساس این چیزها تعیین نکنیم زیرا این عوامل در حقیقت نوعی بازیچه هستند.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران نیز بخشی دیگر از انگیزه های طراحی سبک زندگی اعلام می شود و می فرماید "زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ..." یعنی حب شهوات برای مردم زینت داده شده که انواع آن مانند شهوات غریزی و غیره را بیان می کند.

سبک زندگی ما را علاقه به شهوات تحت تاثیر قرار می دهد و باید توجه کنیم که سبک زندگی ما برآمده از حب الشهوات نباشد. البته این موضوع بدین معنی نیست که زندگی را بر خود سخت بگیریم.

از موضوعات مهم در انتخاب سبک زندگی این است که نباید سبک زندگی خود را به گونه ای انتخاب کنیم که شبیه به کفار باشد و در تعیین سبک زندگی باید غیرت دینی داشته باشیم. در امور حرام داریم که بزرگترین یاری خداوند برای بندگان خود این است که بندگان ببینند دشمنان خدا گناه می کنند، یعنی به عنوان مثال می بیند دشمنان خدا شراب خوارند پس سمت شراب نمی رود. در زمان پیامبر خدا(ص) نیز در مقطعی از زمان که تعداد مسلمانان اندک بود و غلبه نداشتند، دستور دادند مردان محاسن خود را رنگ کنند تا شبیه به یهودیان نشوند و متمایز از آنان باشند.

متأسفانه مدیران فرهنگی ما در زمینه ایجاد غیرت دینی در سبک زندگی بسیار کوتاهی کردند. در مقابل دشمنان اسلام تمام تلاش خود را در این زمینه دارند مثلاً در بخشی از کتاب خاطرات مستر همفر آمده است

که: از عوامل زیر نفوذ خود استفاده کنید تا شهرهای زیارتی و مقدس برای مسلمانان، شهرهای کثیفی باشند تا جوانان پس از مقایسه این شهرها و شهرهای اروپایی، به شهرهای آنها گرایش پیدا کنند و از شهرهای خود متنفر شوند. یا اینکه مثلاً بیان می‌کند سعی کنید تا جایی که ممکن است علماء دین را تحقیر کنید زیرا آنها بسیاری از جزئیات سبک زندگی اسلامی را رعایت می‌کنند که اگر جامعه متوجه علماء شود به ضرر آنها خواهد بود.

در زمان امام باقر(ع) داریم که خلیفه وقت با دیدن علامات مخصوص مسیحی‌ها بر روی کاغذهایی که وارد می‌شد اعتراض کرده و خواهان زدن کلمه توحید(لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را بر روی کاغذها به جای علامت تثلیث شد. زمانی که قیصر روم این موضوع را متوجه شد، تهدید به نوشتن دشنام بر پیامبر (ص) بر روی سکه‌های ضربی کرد(در آن زمان سکه‌های آنها از روم تهیه می‌شد). وقتی راه رفع مشکل را از امام باقر(ع) پرسیدند، ایشان روش سکه زدن را آموختند تا دیگر نیازمند سکه‌های روم نباشند.

سعی کنیم به این نکته توجه کنیم که اگر در فرهنگ خود، غیرت دینی را حفظ نکنیم، به مرور زمان روح دینداری و تعصب دینی بین ما کمرنگ خواهد شد.

